

نگاهی به عقاید شیعه

گردآوری:

عبدالله بن محمد

ترجمه:

گروه علمی فرهنگی موحدین

عنوان کتاب:

نگاهی به عقاید شیعه

گرد آوری:

عبدالله بن محمد

ترجمه:

گروه علمی فرهنگی موحدین

موضوع:

عقاید کلام - بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت...)

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- فهرست مطالب ۱
- مقدمه ۱
- پیدایش شیعه ۳
- چرا شیعه را روافض می‌گویند؟ ۵
- فرقه‌های شیعه ۷
- شیعه و عقیدهٔ بداء ۹
- عقیدهٔ شیعه دربارهٔ صفات خدا ۱۱
- عقیدهٔ شیعه دربارهٔ قرآن ۱۳
- عقیدهٔ شیعه دربارهٔ اصحاب پیامبر ﷺ ۱۷
- تشابه روافض با یهود ۱۹
- عقیدهٔ شیعه دربارهٔ امامان ۲۱
- شیعه و عقیدهٔ رجعت ۲۷
- شیعه و عقیدهٔ تقیه ۲۹
- شیعه و عقیدهٔ به خاک ۳۱

- ۳۳..... عقیده روافض درباره اهل سنت
- ۳۵..... عقیده روافض درباره متعه و فضیلت آن
- ۳۹..... عقیده روافض درباره نجف و کربلا و فضیلت زیارت آن
- ۴۱..... اختلاف شیعه و اهل سنت در چیست؟
- ۴۳..... عقیده شیعه درباره روز عاشورا و فضیلت آن
- ۴۵..... عقیده شیعه درباره بیعت
- ۴۷..... حکم تقریب بین اهل سنت و شیعه
- ۴۹..... اقوال امامان سلف و خلف درباره روافض
- ۵۵..... سوره دروغین ولایت
- ۵۵..... از کتاب (فصل الخطاب):
- ۵۷..... ترجمه سوره دروغین ولایت
- ۵۹..... لوح فاطمة المزعوم
- ۶۱..... لوح دروغین فاطمه
- ۶۵..... دعاء صنمی قریش^۱
- ۶۷..... دعای دو بت قریش^۱
- ۷۱..... خاتمه
- ۷۳..... برای رد روافض به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
- ۷۳..... کتاب‌های معاصرین:

مقدمه

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله وصحبه وسلم

تسليماً كثيراً.

اما بعد:

فعالیت روز افزون روافض در دعوت به مذهب شان اخیراً آنهم در سطح جهان اسلام، و خطری که این فرقه بی‌دین بر دنیای اسلام دارد و غفلت بسیاری از مسلمانان از این خطر و شرکی که در عقیده این فرقه نهفته و طعن و عیب‌جویی آنان از قرآن و صحابه رضوان الله علیهم و غلو و افراطی که درباره ائمه دارند، در من انگیزه‌ای برای تألیف این رساله ایجاد نمود، این بود که تصمیم گرفتم که به این کار اقدام کنم و به گونه‌ای مختصر به عقاید مبهم این فرقه پردازم و در این امر از روش استادم شیخ علامه عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین حفظه الله در کتابش «التعلیقات علی متن لمعة الاعتقاد» پیروی نمایم، و در این کار از کتاب‌های معروف و مشهور روافض استدلال می‌کنم و همچنین کتاب‌هایی که علمای گذشته و معاصر اهل سنت در رد روافض و بیان فساد عقاید منحرف شان که بر اساس شرک، غلو، دروغ، سب و شتم، طعن و عیب‌جویی استوار است، نوشته‌اند. در این رساله مختصر تلاشم بر آن بوده که حتی الإمكان از کتاب‌های معتبرشان دلیل بیاورم، همانگونه که شیخ ابراهیم بن سلیمان الجبهان فرمود: «ای شیعه از سخن خودت برایت حجت می‌آورم».

در پایان از خداوند جل و علا می‌خواهم که این رساله را برای صاحبان بصیرت نافع بگرداند، همانگونه که می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

و از تمامی کسانی که در شکل گرفتن این رساله با من همکاری نموده‌اند تشکر می‌کنم و از خداوند می‌خواهم که در مقابل این کار به آنان جزای خیر بدهد، والله أعلم و صلی الله علی نبینا محمد و علی آله و صحبه و سلم.

عبدالله بن محمد

پیدایش شیعه

شیعه هنگامی پیش آمد که مردی یهودی بنام «عبدالله بن سبأ» تظاهر به اسلام و محبت اهل بیت کرد و درباره حضرت علی علیه السلام غلو نمود و مدعی شد که رسول الله صلی الله علیه و آله وی را به جانشینی خویش برگزیده است، و پس از مدتی حضرت علی علیه السلام را به درجه الوهیت (خدایی) رساند، کتابها و مراجع شیعی کاملاً به این مطلب اعتراف دارند. قمی، نوبختی و کشی که از شیوخ بزرگ شیعه‌اند در کتاب‌های^(۱) خود به وجود عبدالله بن سبأ اعتراف کرده‌اند و همگی او را نخستین کسی می‌دانند که مقوله‌ی امامت و رجعت علی علیه السلام را مطرح کرده و به لعن ابوبکر، عمر، عثمان، و دیگر اصحاب رضی الله عنهم پرداخته است، و چه دلیلی قوی‌تر از اعتراف؟!.

بغدادی می‌گوید: «سبئی پیروان عبدالله بن سبأ هستند، همان کسی که درباره حضرت علی علیه السلام غلو نمود، و ابتدا او را پیامبر و سپس خدا معرفی کرد». نیز می‌گوید: «ابن السوءاء (عبدالله بن سبأ) فردی یهودی الأصل و از اهل حیره بود که به اسلام تظاهر کرد و برای اینکه نزد اهل کوفه ریاست و پذیرشی داشته باشد، به آنان گفت که در تورات خوانده است که هر پیامبری وصی دارد و وصی حضرت محمد صلی الله علیه و آله علی است».

۱- نگا: قمی «المقالات والفرق ص ۲۱-۱۰، نوبختی «فرق الشیعة» ص ۲۰-۱۹، و برای مطالعه روایات متعددی که کشی درباره عبدالله بن سبأ و عقاید وی آورده، به کتاب وی «رجال کشی» روایت شماره ۱۷۰، الی ۱۷۴ از صفحه ۱۰۶ تا ۱۰۸ مراجعه بفرمایید.

شهرستانی درباره ابن سبأ آورده که: او نخستین کسی است که قائل به وجود نصی مبنی بر امامت علی علیه السلام بوده است، و می‌افزاید که سبئیة اولین فرقه‌ای هستند که به «توقف»، «غیبت» و «رجعت» معتقد شدند، و پس از مدتی شیعه با آن همه اختلاف و فرقه‌های متعددی که دارند، اعتقاد امامت و خلافت و وجود نص و وصیت را از سبایی‌ها به ارث بردند، این عقیده زائیده فکر ابن سبأ است، و به مرور زمان فرق شیعه، و نظریاتشان به دهها فرقه و نظریه تبدیل شد.

و اینگونه شیعه بدعت وصیت، رجعت، غیبت و فراتر از آن، اعتقاد به الوهیت ائمه^(۱) را به پیروی از عبدالله بن سبأ یهودی، رواج داد.

۱- اللالكائي، أصول اعتقاد أهل السنة والجماعة (۱/ ۲۲-۲۳).

چرا شیعه را روافض می‌گویند؟

مجلسی این نام را در کتابش (البحار) همراه با بیان چهار حدیث ذکر کرده است^(۱).

و نیز گفته شده که آنان را به این سبب روافض می‌گویند که آنان نزد زید بن علی بن حسین رفتند و به وی گفتند: از ابوبکر و عمر اعلام براءت کن تا از تو پیروی کنیم، او در جواب گفت: ابوبکر و عمر از یاران جدم هستند و من آنها را دوست می‌دارم، گفتند: إذا نرفضك، «پس ما تو را ترک می‌کنیم» به این جهت آنان را «روافض» و کسانی را که با زید بن علی بیعت کردند، «زیدیه» نامیدند^(۲).

و نیز گفته شده که آنان را به خاطر رفض (ترک) خلافت ابوبکر و عمر رضی الله عنهما^(۳) و به روایتی دیگر به خاطر ترک دین^(۴)، رافضه می‌گویند.

۱- نگا: مجلسی، البحار ص ۶۸-۹۶-۹۷ (این کتاب یکی از مراجع متأخر آنان است).

۲- عبدالله الجبرین، التعليقات على متن لعة الاعتقاد ص ۱۰۸.

۳- محیی الدین عبدالحمید، پاورقی مقالات الإسلامیین (۸۹/۱).

۴- مقالات الإسلامیین (۸۹/۱).

فرقه‌های شیعه

در کتاب دائرة المعارف آمده که: «در میان شیعه فرقه‌هایی بسیار بیشتر از هفتاد و سه فرقه مشهور پدید آمده است»^(۱).

میرداماد^(۲) می‌گوید: تمامی هفتاد و سه فرقه‌ای که در حدیث آمده، شیعه هستند و گروه رستگار از میان آن‌ها تنها فرقه «امامیه» است. مقریزی می‌گوید: فرقه‌های شیعه به ۳۰۰ فرقه می‌رسد^(۳).

شهرستانی می‌گوید: روافض به ۵ گروه تقسیم می‌شوند، کیسانیه، زیدیه، امامیه، غالیه، اسماعیلیه^(۴).

بغدادی می‌گوید: رافضه پس از زمان حضرت علی علیه السلام چهار صنف هستند، زیدیه، امامیه، کیسانیه و غلاة^(۵). باید دانست که به استثنای جارودیه، دیگر فرق زیدیه از روافض به شمار نمی‌آیند.

۱- دائرة المعارف (۶۷/۴).

۲- محمد باقر بن محمد اسد از بزرگان شیعه است.

۳- مقریزی، الخطط (۳۵۱/۲).

۴- شهرستانی، الملل والنحل ص ۱۴.

۵- بغدادی، الفرق بین الفرق ص ۴۱.

شیعه و عقیده بداء

بداء به معنای ظهور پس از خفا و یا به معنای پیدایش نظریه‌ای جدید می‌آید، لازمه این هر دو معنی این است که قبلاً جهلی وجود داشته باشد و پس از آن معرفتی پدید آید و این امر برای خداوند محال است، اما روافض بداء را به خداوند نسبت می‌دهند.

در روایتی ریان بن صلت می‌گوید: «از رضا شنیدم که چنین می‌فرمود: خداوند هیچ پیامبری نفرستاده مگر برای تحریم شراب و اثبات بداء برای خداوند»^(۱)، و از ابوعبدالله روایت شده که ایشان فرمود: «خداوند به عبادتی بهتر از بداء پرستیده نشده است»^(۲).

خداوند از چنین چیزی پاک و مبرا است.

برادر مسلمان! بین چگونه جهل و نادانی را به خداوند نسبت می‌دهند، در صورتی که خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [النمل: ۶۵].

«بگو آنان که در آسمان و زمینند کسی جز الله، غیب نمی‌داند».

جای تعجب این جاست که روافض در کنار این عقیده معتقدند که امامان همه علوم را می‌دانند و هیچ چیزی بر آن‌ها پوشیده نیست.

آیا این عقیده همان چیزی است که حضرت محمد ﷺ آورده است؟

۱- کلینی، اصول کافی ص ۴۰.

۲- مرجع سابق، کتاب التوحید ۱/۳۳۱.

عقیده شیعه درباره صفات خدا

شیعه‌ها اولین گروهی هستند که قائل به تجسم شدند، شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: نخستین افرادی از شیعه که این عقیده را اعلام کردند، عبارتند از: هشام ابن الحکم^(۱)، هشام بن سالم جوالیقی، یونس بن عبدالرحمن قمی و ابوجعفر احو^(۲).

همه این افراد از بزرگان شیعه اثناعشری هستند که به جهیمیه و معطله پیوستند، و مجموعه‌ای از روایات آنان، خداوند را با صفاتی سلبی که بر صفات ثابت خداوند افزوده‌اند، یاد کرده است، ابن بابویه بیش از هفتاد روایت ذکر کرده که می‌گوید: نمی‌توان خداوند را به وصف زمان، مکان، کیفیت، حرکت و انتقال و دیگر صفات اجسام توصیف نمود و خداوند حس، جسمانی و صورت نیست»^(۳).

بزرگان شیعه این رویه غلط را برگزیده‌اند و در کنار آن صفات خداوند را که در قرآن و حدیث آمده نفی و انکار کرده‌اند.

و همچنین نزول الله جل شأنه را انکار می‌کنند و قایل به خلق قرآن هستند و رؤیت خداوند در آخرت را نفی می‌کنند، در کتاب بحار الأنوار آمده که از ابوعبدالله جعفر صادق پرسیده شد که آیا خداوند در روز قیامت دیده می‌شود؟

۱- ابن تیمیه، منهاج السنة ۲۰/۱.

۲- اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین ص ۹۷.

۳- ابن بابویه، التوحید ص ۵۷.

وی در جواب گفت: سبحان الله خداوند از این خیلی بالاتر است، چشم‌ها تنها چیزی را می‌بینند که رنگ و کیفیتی داشته باشد، خداوند(خود) خالق رنگ‌ها و کیفیت است.

بلکه فراتر از این، می‌گویند: اگر کسی برخی از صفات مانند رؤیت را به خداوند نسبت دهد، مرتد شمرده می‌شود، این مطلب را شیخشان جعفر نجفی در کتاب (کشف الغطاء ص ۴۱۷) آورده است، در صورتی که رؤیت خداوند در آخرت بدون احاطه و کیفیت خاصی، حق است و از کتاب و سنت به اثبات رسیده است، خداوند می‌فرماید: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿۲۲﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿۲۳﴾﴾ [القیامة: ۲۲-۲۳]. «برخی از چهره‌ها در آن روز شادابند و به سوی پروردگار خود نظر(نگاه) خواهند نمود».

و در صحیح بخاری و مسلم آمده که جریر بن عبدالله البجلی می‌گوید: همراه با پیامبر ﷺ نشسته بودیم، (شب چهاردهم ماه بود) ایشان به ماه نگاه کردند و سپس فرمودند: شما پروردگارتان را آشکارا مانند این ماه خواهید دید و در دیدن او دچار مشکل نخواهید شد^(۱).
در این باره آیات و احادیث زیادی وجود دارد و ذکر همه آن‌ها در اینجا ممکن نیست^(۲).

۱- بخاری حدیث شماره (۵۴۴) و مسلم حدیث شماره (۶۳۳).

۲- برای اطلاع بیشتر به کتاب الرؤیة نوشته دارقطنی و کتاب امام لالکائی مراجعه کنید.

عقیده شیعه درباره قرآن

روافض که امروزه بنام شیعه معروف هستند، معتقدند که این قرآنی که در دست ماست، آن قرآنی نیست که بر حضرت محمد ﷺ نازل شده است، بلکه این قرآن تحریف شده و در آن تغییر و تبدیل و کمی و بیشی صورت گرفته است، و جمهور محدثین شیعه قایل به تحریف قرآن هستند، این مطلب را نوری طبرسی در کتاب (فصل الخطاب فی إثبات تحریف کتاب رب الأرباب) بیان کرده است^(۱).

محمد بن یعقوب کلینی در اصول کافی و در باب (إنه لم یجمع القرآن کله إلا الأئمة) از جابر روایت کرده که وی می‌گوید: از ابوجعفر شنیدم که می‌گفت: «هر کس ادعا کند که قرآن را کاملاً و همانگونه که نازل شده، جمع کرده است، دروغ می‌گوید، هیچ کس قرآن را آنگونه که نازل شده جمع و حفظ نکرده است مگر علی بن ابی طالب و امامان بعد از او».

احمد طبرسی در (الإحتجاج) و ملا حسن در تفسیر صافی آورده‌اند که: عمر به زید بن ثابت گفت: علی قرآن را نزد ما آورده و رسوایی‌های مهاجرین و انصار در آن ذکر شده بود، و ما تصمیم گرفته‌ایم که قرآن را جمع‌آوری کنیم و رسوایی‌های مهاجرین و انصار را حذف کنیم، زید بن ثابت پیشنهادش را پذیرفت و سپس گفت: اگر من کار جمع‌آوری قرآن را همانگونه که شما می‌خواهید تمام کنم و پس از آن علی قرآنی را که خود جمع نموده ظاهر کند زحمات شما بر باد می‌شود، عمر گفت: پس چاره

۱- حسین بن محمد تقی نوری طبرسی، فصل الخطاب ص ۳۲.

چیست؟ زید جواب داد: شما چاره را بهتر می‌دانید، عمر گفت: چاره‌ای جز اینکه علی را بکشیم و از او راحت شویم، نداریم، و برای قتل علی توسط خالد بن ولید برنامه‌ای ریختند، اما او موفق به انجامش نشد. هنگامی که عمر به خلافت رسید به قصد اینکه قرآن را تحریف کند از علی خواست تا قرآنی را که جمع‌آوری نموده بیاورد، او به علی گفت: ای ابوالحسن، همان قرآنی را که نزد ابوبکر آوردی بیاور تا همه بر آن اتفاق کنیم، علی در جواب گفت: هرگز، امکان ندارد، من آن قرآن را به این خاطر نزد ابوبکر آوردم که اتمام حجت کنم و روز قیامت شما نگوئید که: ﴿إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷۲]. «ما از این غافل بودیم».

و یا اینکه بگوئید: ﴿مَا جِئْنَا﴾ [الأعراف: ۱۲۹]. «آن را نزد ما نیاوردی» این قرآن را تنها پاکان و وصیان (از اولاد من) می‌توانند دست بزنند، عمر گفت: آیا برای ظاهر کردنش وقت مشخصی وجود دارد؟ علی گفت: آری، هر گاه مهدی از اولاد من ظهور کند، قرآن را ظاهر می‌کند و مردم را بر آن عامل می‌گرداند^(۱).

شیعه‌ها هر چند به مقتضای تقیه، به تظاهر از کتاب نوری طبرسی اعلام برائت کنند، اما کتاب صدها روایت از علمای شیعه و از کتب معتبر آنان آورده که ثابت می‌کند که شیعه‌ها به تحریف قرآن عقیده جازم و ایمان دارند اما دوست ندارند که کسی درباره این عقیده شان سخنی بگوید. می‌ماند این مسأله که دو قرآن وجود دارد، یکی معلوم و مشخص است و آن دیگر قرآنی خصوصی و مخفی است که سوره‌ای بنام سوره ولایت دارد، و

۱- طبرسی الإحتجاج ص ۲۲۵ و فصل الخطاب ص ۷.

جالب اینکه شیعه‌ها معتقدند که آیه «وجعلنا علیاً صهرک»^(۱) از سوره «الم نشرح» حذف شده!؛ واقعاً شرم آور است، در صورتی که خود می‌دانند که سوره «الم نشرح» مکی است و علی در مکه داماد پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است.

۱- «و علی را داماد تو قرار دادیم».

عقیده شیعه درباره اصحاب پیامبر ﷺ

مبنای عقیده شیعه بر سب و شتم (دشنام دادن) و تکفیر صحابه است، کلینی در فروع کافی از جعفر علیه السلام روایت کرده که: «همه مردم پس از پیامبر ﷺ از دین برگشتند مگر سه نفر، گفتم: آن‌ها کیستند؟ گفت: مقداد بن الأسود و ابوذر غفاری و سلمان فارسی»^(۱).

مجلسی می‌گوید: یکی از بردگان علی بن الحسین ع به وی گفت: «من بر تو حق خدمتگذاری دارم، مرا از ابوبکر و عمر آگاه کن؟ او گفت: آن هر دو کافرند و هرکس آن‌ها را دوست بدارد، نیز کافر است»^(۲).

قمی در تفسیر آیه ﴿وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾^(۳) می‌گوید: الفحشاء: ابوبکر و المنکر: عمر و البغی: عثمان است»^(۴).

و در کتاب مفتاح الجنان دعایی اینگونه آورده‌اند: «اللهم صلِّ على محمد و علی آل محمد و العن صنمی قریش و جبتیها و طاغوتیها و ابنتیها... إلخ»^(۵). «پروردگارا بر محمد و آل محمد درود بفرست و دوبت و طاغوت قریش و دو دخترشان را نفرین کن».

۱- کلینی، فروع کافی ص ۱۱۵.

۲- مجلسی، حق الیقین ص ۵۲۲، باید اشاره کنم که علی ابن الحسین و همه اهل بیت از این سخنان بیزار و مبرا هستند و همگی افترای شیعیان است، خداوند لعنت شان کند.

۳- سوره نحل آیه: ۹۰ «از فحشاء و کارهای ناپسند و بغاوت (تعدی) نهی می‌کند».

۴- قمی، تفسیر قمی ص ۲۱۸.

۵- مفتاح الجنان ص ۱۱۴. این دعا را در آخر کتاب مطالعه کنید.

و هدف آنان حضرت ابوبکر، عمر، عائشه و حفصه است.

در روز عاشورا سگی می‌آورند و می‌گویند این عمر است، سپس همگی با سنگ و چوب آن را می‌زنند تا بمیرد و سپس بره‌ای می‌آورند و می‌گویند این عایشه است، سپس موهایشان را می‌کنند و با کفش می‌زنند تا اینکه بمیرد^(۱).

روزی را که عمر فاروق رضی الله عنه در آن شهید شده جشن می‌گیرند و ابولؤلؤ مجوسی قاتل ایشان را بابا شجاع الدین^(۲) می‌نامند، رضي الله عن الصحابة أجمعين وعن أمهات المؤمنین.

برادر مسلمان! ببین که این فرقه از دین برگشته چقدر کینه توز و دشمن صحابه هستند و درباره بهترین انسان‌های بعد از پیامبران چه می‌گویند، همان افرادی که خدا و رسول، آن‌ها را ستوده و امت اسلامی بر عدالت و فضل شان اتفاق نظر دارد و تاریخ به سابقه و نیکویی و جهادشان در راه اسلام گواهی می‌دهد.

۱- ابراهیم الجبهان، تبديد الظلام وتنبیه النيام ص ۲۷.

۲- عباس قمی، الکنی والألقاب ۵۵/۲

تشابه روافض با یهود

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: نشانه این مطلب این است که ابتلای یهود و روافض در یک چیز است و آن این که یهود می‌گویند: که پادشاهی جایز نیست مگر برای آل داوود و روافض می‌گویند: امامت جایز نیست مگر برای اولاد علی.

یهود می‌گویند: تا زمانی که مسیح ظهور نکرده و شمشیر فرود نیاید، جهاد نیست، روافض می‌گویند: تا هنگامی که مهدی ظهور نکرده و فریاد زنده‌ای از آسمان فریاد نزند، جهاد نیست.

یهود تا ستارگان دیده نشوند نماز نمی‌خوانند و روافض نیز نماز مغرب را تا ظاهر شدن ستارگان تأخیر می‌کنند، در صورتی که در حدیث آمده که: «لا تزال أمتي على الفطرة ما لم يؤخروا المغرب إلى اشتباك النجوم»^(۱). «امت من تا زمانی که نماز مغرب را تا ظاهر شدن ستارگان تأخیر نکنند، بر فطرت خواهند بود».

یهود تورات را تحریف کردند و روافض قرآن را، و روافض مانند یهود قایل به مسح موزه (خُف) نیستند.

۱- امام احمد، المسند/۴/۱۴۷، ۴۱۷/۵، ۴۲۲ و سنن ابوداود ۴۱۸ و ابن ماجه ۶۸۹، در زوائد ذکر شده که: اسنادش حسن است.

یهود با جبرئیل دشمنی دارند و می‌گویند: از میان فرشتگان جبرئیل دشمن ماست، و همچنین روافض می‌گویند که جبرئیل اشتباهاً به جای علی وحی را بر محمد نازل کرد^(۱).

روافض در صفتی دیگر با نصاری شبیه هستند و آن اینکه زنان نصاری مهریه ندارند و بدون مهریه با زنان مقاربت می‌کنند و همچنین روافض زنان خود را متعه می‌کنند و آنان را برای خود حلال می‌دانند.

یهود و نصاری در دو چیز از شیعیان برترند و آن اینکه از یهود پرسیده شد که: بهترینان شما یهودیان چه کسانی هستند؟

گفتند: اصحاب و یاران موسی، و از نصاری پرسیدند که: بهترینان شما چه کسانی هستند؟

گفتند: حواریان عیسی، و از روافض پرسیدند که: بدترین افراد دین شما چه کسانی هستند؟ گفتند: اصحاب محمد ﷺ^(۲).

۱- طائفه‌ای از شیعه بنام «غرائبیه» معتقدند که جبرئیل علیه السلام خیانت کرده، زیرا بجای علی وحی را بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده، در صورتی که علی بن ابی طالب به پیامبری از محمد صلی الله علیه و آله حقدارتر بود و به این خاطر می‌گویند: «خان الأئین و صدها عن صدر». «جبرئیل امین خیانت کرد و وحی را از علی دریغ داشت».

ببین برادر مسلمان که چگونه حضرت جبرئیل علیه السلام را به خیانت متهم می‌کنند، در صورتی که خداوند او را امین می‌نامد آنجا که می‌فرماید: ﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾^(۱۳). و نیز می‌فرماید: ﴿مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٌ﴾^(۱۱) برادر مسلمان درباره این اعتقاد روافض چه می‌توان گفت؟

۲- شیخ الإسلام ابن تیمیه، منهاج السنة ۲۴/۱.

عقیده شیعه درباره امامان

روافض اعتقاد دارند که امامان معصومند و غیب می‌دانند، کلینی می‌گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «ما مخزن علم و ترجمان امر خداییم، ما قومی معصوم هستیم که به پیروی از ما امر و از نافرمانی ما نهی شده است، ما برای همه آنان که زیر آسمان و روی زمین هستند، حجة الله البالغة هستیم»^(۱).

و نیز از امام جعفر روایت می‌کند که فرمود: «هر گاه امام بخواهد چیزی را بداند (خود بخود) می‌داند و امامان می‌دانند که چه وقت می‌میرند و مرگشان در اختیار خودشان است»^(۲).

خمینی در یکی از رسائل خود امامان را از پیامبران افضل می‌داند، می‌گوید: «امامان ما مقامی دارند که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مبعوث شده‌ای به آن نمی‌رسند».

شیخ الإسلام ابن تیمیه می‌گوید: روافض می‌پندارند که دین در اختیار احبار و رهبان (روحانیون) است، هر چه را بخواهند حلال و یا حرام می‌کنند، و دین همان است که آنان تعیین کنند»^(۳).

خواننده گرامی! اگر می‌خواهی از کفر، شرک و افراط شیعیان اطلاع یابی اشعار زیر را که شیخشان ابراهیم حر عاملی درباره حضرت علی علیه السلام این سروده را بخوان، او می‌گوید:

۱- کلینی، اصول کافی، ص ۱۶۵.

۲- مرجع سابق، کتاب الحجة (۱/۲۸۵).

۳- ابن تیمیه منهاج السنة (۱/۴۸۲).

- ۱- أبا الحسن أنت عين الإله وعنوان قدرته السامية؟
 ۲- أنت المحيط بعلم الغيوب فهل تعزب عنك من خافية
 ۳- وأنت مدير رحى الكائنات ولك أبحارها السامية
 ۴- لك الأمر إن شئت تحيي غداً وإن شئت تسفح بالناصية

- ۱- ای ابوالحسن تو چشم خدا و نشان قدرت بلندش هستی.
 ۲- علم غیب کف دست توست، مگر چیزی از تو پنهان می ماند.
 ۳- تو آسای کائنات و صاحب دریاهاى بی کرانش هستی.
 ۴- اختیار با توست، اگر بخواهی فردا(ی قیامت) زنده می کنی و اگر بخواهی به موی پیشانی می کشانی.

شخصی دیگر در مدح حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام می گوید:

- أبا حسن أنت زوج البتول و جنب الإله و نفس الرسول
 و بدر الكمال و شمس العقول و مملوك رب وأنت الملك
 دعاك النبي بيوم الكدير و نص عليك بأمر الغدير
 لأنك للمؤمنين الأمير و عقد ولايته قلبك
 إليك تصير جميع الأمور و أنت العليم بذات الصدور
 وأنت المبعثر ما في القبور و حكم القيامة بالنص لك
 وأنت السميع وأنت البصير و أنت على كل شيء قدير
 ولولاك ما كان نجم يسير و لا دار لولائك الفلك
 وأنت بكل البرايا عليم و أنت المكلم أهل الرقيم

ولولاك ما كان موسى الكليم
 سترى سر أسمك في العالمين
 وبغضك في أوجه المبغضين
 فمن ذاك كان ومن ذا يكون
 وما القلم اللوح ما العالمون
 أبا حسن يا مدير الوجود
 ومسقي محبيك يوم الورود
 أبا حسن يا علي الفخار
 واسمك لي في المضيق الشعار؟
 بك المزيدي علي دخیل
 ونادی المنادي الرحیل الرحیل
 كليماً فسبحان من كونك
 فجبك كالشمس فوق الجبين
 كقير فلا فاز من أبغضك
 وما الأنبياء وما المرسلون
 وكل عبيد ممالك لك
 وكهف الطريد ومأوى الوفود
 ومنكر في البعث من أنكرك
 ولاءك لي في ضريحي منار
 وحبك مدخلي جنتك
 إذا جاء أمر الإله الجليل
 وحاشاك تترك من لاذ بك

۱- ابوالحسن تو همسر بتول، پهلوی خدا و جان پیامبری.

۲- تو بدرکمال و خورشید عقولی و مملوک پروردگار و تو پادشاهی.

۳- پیامبر در روز ابری تو را فرا خواند و تو را به امر غدیر بر گزید(واعلام کرد).

۴- به این که تو مؤمنان را امیری و عهد ولایتش را به گردنت آویخت.

۵- بازگشت همه امور به سوی توست و آنچه در دل هاست تو بدان آگاهی.

۶- تو مردگان را از قبرها بر می انگیزی و حکم قیامت مخصوص توست.

۷- تو سمیع و تو بصیری، و تو بر هر کاری توانایی.

- ۸- اگر تو نبودی هیچ ستاره‌ای حرکت نمی‌کرد و بی‌تو فلک نمی‌چرخید.
- ۹- تو به تمام مخلوقات آگاهی و تو با مردگان سخن می‌گویی.
- ۱۰- اگر نبودی موسی، کلیم الله نمی‌شد، پس پاک است آنکه تو را آفریده.
- ۱۱- راز نامت را در جهانیان خواهی دید، محبت تو همچو خورشید بر فراز هر جبینی است.
- ۱۲- بغض تو در چهره دشمنان همچو قیر است، ناکام باد هرکس تو را دشمن دارد.
- ۱۳، ۱۴- هرچه بوده و هرچه پدیداید، پیامبران و مرسلین، قلم، لوح و همه جهانیان، برده و غلام و مال تو هستند.
- ۱۵- ابوالحسن ای گرداننده گیتی و پناه رانده شدگان و مأوای گروه‌ها.
- ۱۶- یوم الورد^(۱) محبانت را آب می‌دهی، و روز رستاخیز آن‌هایی را که تو را نشناختند، نمی‌شناسی.
- ۱۷- ابوالحسن ای علی پر افتخار، محبت تو روشنی قبر من است.
- ۱۸- در هر مشکلی نام تو ورد زبانم است و محبت تو مرا در بهشت وارد می‌کند.
- ۱۹- مزیدی دامن تو را می‌گیرد، آنگاه که امر خداوند جلیل (قیامت) فرا رسد.
- ۲۰- آنگاه که منادی فریاد بر آورد الرحیل الرحیل، کسی که به تو پناه آورده، مبادا رهایش کنی.

۱- روز آب نوشیدن از حوض کوثر.

آیا کسی که به دین اسلام معتقد است چنین قصیده‌ای می‌گوید؟ بخدا سوگند اهل جاهلیت نیز به این شرک، کفر و افراطی که این رافضی گرفتارش شده، گرفتار نبوده‌اند.

شیعه و عقیده رجعت

رجعت بدعت دیگری است که روافض ایجاد کردند، مفید می‌گوید: «امامیه بر وجوب رجعت^(۱) بسیاری از مردگان اتفاق نظر دارند»^(۲). یعنی اینکه امام آخر الزمان (قائم) از سرداب بیرون می‌آید و تمامی مخالفان سیاسی خود را سر می‌برد و حقوق شیعیان را که در طول تاریخ از آنها غصب شده، به آنها باز می‌گرداند^(۳).

سید مرتضی در کتاب مسائل الناصریه می‌گوید: «ابوبکر و عمر در زمان مهدی (امام دوازدهم روافض) که او را قائم آل محمد می‌نامند، به درختی می‌آویزند، و در پی آن، درخت خشک می‌شود»^(۴).

مجلسی می‌گوید: محمد بن باقر گفت: «هر گاه مهدی قیام کند، عائشه‌ام المؤمنین را زنده می‌کند و بر او حد (زنا) جاری می‌کند»^(۵).

عقیده رجعت پس از مدتی گسترش یافت و گفتند: همه شیعیان، امامان و تمامی مخالفانشان دوباره زنده می‌شوند و به دنیا باز می‌گردند، این اعتقاد خرافاتی کینه و بغض قلبی شیعیان را آشکار می‌سازد، کینه‌ای که با چنین خرافاتی آن را ابراز می‌کند، سبائیه عقیده رجعت را وسیله‌ای برای انکار قیامت قرار دادند.

۱- بازگشت مردگان به دنیا.

۲- مفید، اوائل المقالات ص ۵۱.

۳- محب الدین خطیب، الخطوط العریضة ص ۸۰.

۴- مفید، اوائل المقالات ص ۹۵.

۵- باقر مجلسی، حق الیقین ص ۳۴۷.

شیعه و عقیده تقیه

یکی از معاصرین شیعه تقیه را اینگونه تعریف می‌کند: «تقیه یعنی اینکه برای دفع ضرر از جان و مال و یا حفظ ارزش خود، سخن و یا فعلی بر خلاف عقیده‌ات اظهار کنی»^(۱). آنان می‌پندارند که حضرت پیامبر ﷺ هنگام وفات عبدالله بن ابی بن سلول رئیس منافقان، تقیه کرده است، آنگاه که خواست بر جنازه‌اش نماز بخواند، عمر گفت: مگر خداوند تو را از نماز خواندن بر منافقان منع نکرده، پیامبر ﷺ در پاسخ گفت: وای بر تو، چه می‌دانی که من برایش چه دعایی کرده‌ام، من چنین دعا کردم، پروردگارا شکم و قبرش را از آتش پر کن و او را در آتش بیانداز»^(۲).

برادر مسلمان! ببین که چگونه به حضرت پیامبر ﷺ دروغ نسبت می‌دهند، مگر معقول است که صحابه بر جنازه عبدالله بن ابی بن سلول دعای رحمت کنند و نبی رحمت ﷺ نفرین کند؟!

کلینی نقل می‌کند که: «ابوعبدالله گفت: ای ابو عمر نه دهم دین در تقیه است، هرکس تقیه نکند دین ندارد، در هر چیزی می‌توان تقیه کرد مگر در نبیذ و مسح بر موزه (خف)»^(۳). و همچنین نقل می‌کند که ابوعبدالله گفت: دین خود را با تقیه حفظ کنید و کسی که تقیه نکند ایمان ندارد»^(۴).

۱- محمد جواد مغنیه، الشیعة فی المیزان ص ۴۸.

۲- فروع کافی، کتاب الجنائز ص ۱۸۸.

۳- نوعی جوراب ضخیم که از پوست و غیره ساخته می‌شود.

۴- کلینی، اصول کافی ص ۴۸۲-۴۸۳.

آری روافض تقيه را فرض می‌دانند که بدون آن مذهب وجودی ندارد و اصولش را نهان و آشکار می‌آموزند و با مردم تقيه می‌کنند خصوصاً که در شرایط نامطلوبی قرار داشته باشند، پس ای مسلمان مواظب و هوشیار باشید که فریب تقيه شیعه‌ها را نخورید.

شیعه و عقیده به خاک

هدف از خاک نزد روافض خاک قبر حسین علیه السلام است، یکی از گمراهانسان بنام محمد بن نعمان حارثی که به لقب «شیخ مفید» معروف است، در کتاب المزار نقل کرده که ابو عبدالله گفت: «خاک قبر حسین شفای هر دردی است و آن درمان بزرگ است».

عبدالله گوید: کام فرزندانتان را با خاک قبر حسین بمالید.

و می گوید: از خراسان برای ابی الحسن رضا بغچه‌ای پارچه فرستادند و در میان آن مقداری خاک بود، از پیک پرسیدند: این چیست؟ گفت: خاک قبر حسین است، هر گاه پارچه و یا چیزی دیگر می فرستاد، مقداری خاک در آن می گذاشت و می گفت: این خاک به إذن خدا امان است. می گویند مردی از امام صادق پرسید که خوردن خاک قبر حسین چگونه است؟ امام صادق در پاسخ گفت: هر گاه خاک قبر حسین را خوردی چنین دعا کن: «اللهم إني أسألك بحق الملك الذي قبضها، وأسألك بحق النبي الذي خزنها، وبحق الوصي الذي حل فيها أن تصلي على محمد، وعلى آل محمد وأن تجعله شفاء من كل داء، وأماناً من كل خوف، وحفظاً من كل سوء».

«پروردگارا به حق فرشته‌ای که این خاک را مشت کرده و پیامبری که انبارش کرده و وصیی که در آن خوابیده، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و این خاک را شفایی برای هر درد، و امانی از هر ترس و حفاظتی از هر بدی قرار بدهی».

از ابو عبدالله درباره استعمال خاک قبر حمزه و حسین و اینکه کدامیک برتر است پرسیده شد، در پاسخ گفت: تسبیحی که از خاک قبر حسین

ساخته شده، خود بخود در دست صاحبش تسبیح می‌گوید، بدون اینکه صاحبش تسبیح بگوید»^(۱) شیعه‌ها معتقدند که شیعه از خاکی دیگر و سنی از خاکی دیگر آفریده شده و این دو خاک به مقدار مشخصی با هم مخلوط شده، هر جرم و جنایتی که شیعه می‌کند بر اثر خاکی است که از سنی با او مخلوط شده و اعمال خیر و ستوده سنی بر اثر خاکی است که از شیعه با او آمیخته است، و روز قیامت گناهان و بدی‌های شیعه بر دوش اهل سنت گذاشته می‌شود و حسنات اهل سنت را به شیعه می‌دهند»^(۲).

۱- مفید، کتاب المزار ص ۱۲۵.

۲- علل الشرائع ص ۴۹۰-۴۹۱ و بحار الأنوار ۲۴۷/۵-۲۴۸.

عقیده روافض درباره اهل سنت

روافض خون و مال اهل سنت را حلال می‌دانند، صدوق در کتاب «العلل» با سند خود از داود بن فرقد نقل کرده که می‌گوید: از ابوعبدالله پرسیدم که درباره ناصبی چه می‌گویی؟ گفت؟ خونش حلال است، لکن بر تو بیم دارم، اگر توان داشتی که دیواری بر سرش فرو ریزی و یا در دریا غرقش کنی، این کار را بکن، تا نتواند علیه تو گواهی دهد، گفتم: درباره مالش چه می‌گویی؟ گفت: تا می‌توانی بردار»^(۱).

فراتر از این روافض معتقدند که کفر اهل سنت از کفر یهود و نصاری غلیظتر و بدتر است زیرا یهود و نصاری اصالتاً کافرند اما اهل سنت مرتدند و به اتفاق علما کفر رده بدتر است و بدین سبب شیعه علیه مسلمانان با کافران همکاری می‌کنند و تاریخ نیز بر این مطلب گواه است^(۲).
در کتاب وسائل الشیعه از فضیل بن یسار نقل شده که گفت: «از ابوجعفر پرسیدم که آیا زن شیعه را می‌توان به نکاح ناصبی در آورد؟ گفت: خیر، زیرا ناصبی کافر است»^(۳).

اهل سنت به دشمنان حضرت علی علیه السلام نواصب می‌گویند، اما شیعه‌ها اهل سنت را نواصب می‌نامند، زیرا که ابوبکر و عمر و عثمان را از علی مقدم

۱- المحاسن النفسانية ص ۱۶۶.

۲- شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌گوید: شیعه‌ها هنگام غارت شهرهای اسلامی توسط تاتارها، با آنها همکاری کردند، فتاوی ۱۵۱/۳۵ و سلیمان بن حمد العوده، کیف دخل التتر بلاد المسلمین.

۳- حر عاملی، وسائل الشیعه ۴۳۱/۷ و التهذیب ۳۰۳/۷.

می‌دارند، در صورتی که تفضیل ابوبکر و عمر بر علی در زمان پیامبر ﷺ نیز وجود داشته است، ابن عمر می‌گوید: «ما در زمان پیامبر ﷺ از میان مردم ابوبکر سپس عمر و سپس عثمان را بهترین می‌دانستیم» رواه البخاری، طبرانی در معجم الکبیر می‌افزاید: «پیامبر ﷺ از این امر آگاه می‌شد و چیزی نمی‌فرمود». و ابن عساکر آورده: «ما ابوبکر و عمر و عثمان و علی را افضل می‌دانستیم».

احمد و غیره روایت کرده‌اند که حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه فرمود: «بهترین این امت پس از پیامبر ﷺ ابوبکر سپس عمر است و اگر بخواهم می‌توانم سومشان را نیز نام ببرم، ذهبی می‌گوید: این متواتر است»^(۱).

۱- شیخ عبدالله جبرین، التعليقات علی متن لمعة الاعتقاد ص ۹۱.

عقیده روافض درباره متعه و فضیلت آن

متعه نزد شیعه (والعیاذ بالله) فضیلت بزرگی دارد، در کتاب منهج الصادقین آمده که امام صادق فرمود: متعه دین من و دین نیاکان من است، هرکس متعه کند بر دین ما عمل نموده و هرکس انکارش کند، دین ما را انکار کرده، بلکه به دینی غیر از دین ما گرویده، فرزند متعه از فرزند همسر دایمی بهتر است و منکر متعه کافر و مرتد است»^(۱).

قمی از عبدالله بن سنان نقل کرده که ابوعبدالله فرمود: «خداوند تبارک و تعالی بر شیعه ما هر نوشیدنی مست‌کننده‌ای را حرام نموده و بجایش به آن‌ها متعه داده است»^(۲).

شیعیان برای متعه عدد معینی را شرط نکرده‌اند، زُراره گوید: «از ابوعبدالله پرسیده شد آیا متعه با بیش از چهار زن (همزمان) جایز است؟ وی فرمود: با هزار زن متعه کن، آن‌ها اجاره‌اند». محمد بن مسلم گوید: ابوجعفر درباره متعه فرمود: «متعه بر چهار زن محصور نیست، زیرا (زن سیغه‌ای) نه طلاق‌ی دراد و نه میراثی، بلکه او (زن) اجاره است»^(۳).

خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾﴾ [المؤمنون: ۵ - ۷].

۱- ملا فتح الله کاشانی، منهج الصادقین ص ۳۵۶.

۲- قمی، من لایحضره الفقیه ص ۳۳۰.

۳- فروع کافی ۴۳/۲، والتهذیب ۱۸۸/۲.

«آنان که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند مگر بر زنان خود و یا کنیزی که مالک آنانند این افراد ملامت نیستند اما هرکس علاوه از آن طلب کند، آنان تجاوز کارند».

در این آیه بیان شده که هم‌خوابی تنها با همسر و یا کنیز مملوکه جایز است و غیر از این هرچه باشد حرام است و زن متعه شده (صیغه‌ای) اجاره است و همسر نیست نه طلاق‌ی دارد و نه میراثی، یعنی اینکه (والعیاذبالله) زنی فاحشه و زناکار است.

شیخ عبدالله جبرین می‌گوید: روافض برای جواز متعه از این آیه استدلال می‌کنند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَلِكَُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ﴾ [النساء: ۲۴].

«و زنان شوهردار بر شما حرام شده است مگر زنانی که اسیر کرده باشید، برای شما حلال می‌باشند، دین خدا را بر شما واجب گردانده است، برای شما ازدواج با زنان دیگری جز اینان حلال گشته است و می‌توانید با اموال خود زنانی را جويا شوید و با ایشان ازدواج کنید، پاکدامن و از زنا خویشان‌دار باشید پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید باید که مهریه او را بپردازید و این واجبی از واجبات الهی است و بعد از تعیین مهریه گناهی بر شما نیست بر آنچه میان خود بر آن توافق می‌نمایید».

پاسخ این است که این آیات همه درباره نکاح است، از آیه ﴿لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا﴾ گرفته تا آیه ﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ

رَوْحٍ ﴿۱﴾ و آیه ﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ﴾ و آیه ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ﴾ و پس از ذکر محرمات نسبی و سببی فرمود: ﴿وَأَحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ﴾ یعنی ازدواج با بقیه زنان جایز است، پس هر گاه آنان را برای استمتاع که همان مقاربت حلال است، نکاح کردید، مهریه‌هایی که برایشان تعیین کرده‌اید، بپردازید، و اگر مقداری از مهریه خود را به شما بخشیدند، اشکالی ندارد و می‌توانید آن را بپذیرید، جمهور صحابه و دیگران آیه را اینگونه تفسیر کرده‌اند»^(۱).

از این گذشته روافض مقاربت با زن را در دُبُر (راه عقب) نیز جایز می‌دانند، در کتاب الإستبصار از علی بن حکم آمده که می‌گوید: از صفوان شنیدم که گفت: به رضا گفتم مردی از موالی تو، به من امر کرده تا از تو مسأله‌ای بپرسم، چون خودش از تو بیم دارد و شرم می‌کند که بپرسد، فرمود: چه مسأله‌ای؟ گفتم: آیا برای مرد جایز است که از راه عقب با همسرش نزدیکی کند؟ فرمود: بلی، این حق را دارد»^(۲).

۱- دلیل تحریم متعه از سنت نبوی، حدیث ربیع بن سیره جهنی است که از پدرش روایت می‌کند که حضرت پیامبر ﷺ فرمود: ای مردم! من به شما اجازه داده بودم که از زنان استمتاع کنید، اکنون خداوند آن را تا روز قیامت حرام گردانیده است پس هر کس زن صیغه‌ای دارد، رهایش کند و از آنچه به آنان داده‌اید چیزی پس نگیرید». مسلم حدیث شماره ۱۴۰۶.

۲- الإستبصار ۳/۲۴۳.

عقیده روافض درباره نجف و کربلا و فضیلت زیارت آن

شیعه محل قبور خیالی و یا واقعی امامان خود را حرم مقدسی می دانند، کوفه، کربلا و قم حرمند، از صادق روایت می کنند که خداوند حرمی دارد و آن مکه است و پیامبر صلی الله علیه و آله حرمی دارد و آن مدینه است و امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی دارد و آن کوفه است و ما نیز حرمی داریم و آن قم است.

نزد شیعه کربلا از کعبه برتر و افضل است، از ابوعبدالله روایت می کنند که وی گفت: «خداوند به کعبه وحی نمود که اگر خاک کربلا نبود به تو هیچ ارزش و فضیلتی نمی دادم و اگر کسی که در کربلا آرمیده (حسین) نمی بود، تو را (مکه) و خانه ای که به آن افتخار داری (کعبه) را نمی آفریدم، پس آرام بگیر و بر جای بمان و دنباله ای فرومایه و خوار و ذلیلی برای سرزمین کربلا باش و بر آن برتری طلب نکن و گرنه تو را در زمین فرو می برم و در آتش جهنم می اندازم»^(۱).

در کتاب المزار باب (القول عند وقوف الحدث) چنین آمده که: زیرا حسین با دست راست (سوی قبر) اشاره کند و (در ضمن دعای طولانی) اینگونه دعا کند: «. . . به زیارت تو آمده ام و از تو می خواهم که در هجرت به سوی خود ثابت قدم و پایدارم بداری، یقین دارم که خداوند به وسیله شما غم و اندوهها را می زداید و رحمتش را نازل می کند و به وسیله شما زمین را نگه داشته که مبادا با ساکنانش فرو رود و به وسیله شما کوهها را بر جایشان نگه داشته، سرور و سیدم به وسیله تو به پروردگارم روی آورده ام تا نیازهایم را بر آرد و گناهانم را ببخشد».

همچنین در کتاب مذکور در فضیلت کوفه از جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده‌اند که وی گفت: «بهترین جای روی زمین پس از حرم خدا و رسولش (مکه و مدینه) کوفه است؛ زیرا کوفه زمینی پاکیزه است و قبور پیامبران و وصیان راستین قرار دارد و عدالت الهی در آن ظاهر می‌گردد، قائم و جانشینانش در آن خواهد بود و کوفه جایگاه پیامبران و وصیان و صالحان خواهد بود»^(۱).

خواننده گرامی! بنگر که چگونه در شرک فرو رفته‌اند و از غیر الله می‌خواهند که نیازهایشان را برآرند و چگونه از بشر طلب مغفرت و آمرزش می‌کنند، در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ [آل عمران: ۱۳۵]. «کیست که گناهان را بیامرزد جز الله».

۱- محمد نعمان ملقب به شیخ مفید، کتاب المزار ص ۹۹.

اختلاف شیعه و اهل سنت در چیست؟

نظام الدین محمد اعظمی در مقدمه کتاب (الشیعة و المتعة) می‌گوید:
«اختلاف ما و آنان در مسایل فقهی و فرعی مانند متعه نیست، بلکه فراتر از آن در اصول اختلاف داریم، اختلاف در عقیده مانند مسایل زیر:
۱- روافض می‌گویند که قرآن تحریف شده و ناقص است.

ما اعتقاد داریم که قرآن کلام خدا کامل است و هیچ نقصی ندارد، هرگز نقص، تبدیل و تغییری در آن صورت نگرفته و تا قیامت نیز چنین چیزی اتفاق نخواهد افتاد، همانگونه که خداوند فرموده است: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾﴾ [الحجر: ۹]. «ذکر (قرآن) را ما نازل کرده‌ایم و ما حفاظتش خواهیم نمود».

۲- روافض می‌گویند که اصحاب حضرت پیامبر ﷺ جز چند نفری، بقیه همه پس از وفات ایشان مرتد شدند و به کفر برگشتند و به امانت و دیانت خویش خیانت کردند، خصوصاً خلفای ثلاثه: ابوبکر، عمر و عثمان، و به این خاطر خلفای ثلاثه نزد شیعه از سخت‌ترین و گمراهترین کافراند.

ما اعتقاد داریم که اصحاب رسول الله ﷺ، پس از پیامبران بهترین افراد بشر هستند و همگی عادلند و بر رسول الله ﷺ دروغ نمی‌گویند و در نقل و روایت ثقه و معتمد و مورد اطمینان هستند.

۳- روافض می‌گویند که دوازده امامشان معصومند و غیب و تمامی علومی که فرشتگان و پیامبران می‌دانسته‌اند، آن‌ها می‌دانند، احوال

گذشته و آینده را می‌دانند و هیچ چیزی بر آن‌ها پوشیده نیست، و همهٔ زبان‌های دنیا را می‌دانند و زمین همه مال آنانست.

ما معتقدیم که، امامان مانند دیگر افراد بشر هستند و هیچ تفاوتی با دیگران ندارند، برخی از آنان فقیه، عالم و خلیفه بوده‌اند ما چیزی را که خود ادعا نداشته‌اند، و بلکه از آن نهی نموده و بیزاری جسته‌اند، به آنان نسبت نمی‌دهیم»^(۱).

۱- نظام الدین محمد الاعظمی، مقدمهٔ «الشیعة و المتعة» ص ۶.

عقیده شیعه درباره روز عاشورا و فضیلت آن

روافض محافل ماتم و نوحه خوانی تشکیل می دهند و در خیابان ها و میدان های عمومی تظاهرات می کنند و در ده روز اول محرم به یاد شهادت حضرت حسین علیه السلام لباس سیاه می پوشند و این کار را از بهترین عبادات می دانند و بر سر و صورت و سینه و پشت خود می کوبند، گریبان خود را چاک می دهند و فریاد می زنند: یا حسین، یا حسین، خصوصاً در روز دهم محرم، از این گذشته خود را با زنجیر و شمشیر می زنند، همانگونه که در کشورهای که شیعه وجود دارد، مشاهده می شود، مانند ایران و غیره.

آخوندهای شیعه آنان را برای این خرافات که به سبب آن مسخره جهانیان شده اند، تشویق می کنند، از یکی از مراجع آنان، محمد حسن آل کاشف الغطاء درباره این خرافات پرسیده شد، او در جواب گفت: این کارها تعظیم شعائر الهی است: ﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ شَعَيْرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى

الْقُلُوبِ ﴿۳۲﴾.

عقیده شیعه درباره بیعت

روافض هر حکومتی جز حکومت دوازده امامی را باطل می‌دانند در کتاب (الکافی بشرح المازندرانی) و (الغیة) نعمانی از ابوجعفر روایت کرده‌اند که: «هر پرچمی که قبل از پرچم قائم (مهدی شیعه) بر افراشته شود، صاحب آن پرچم طاغوت است»^(۱).

پیروی از حاکمی که از جانب خداوند منصوب نباشد، جایز نیست مگر از روی تقیه، و همه حاکمان مسلمان در رأس آن خلفای راشدین، ابوبکر و عمر و عثمان را، حاکمانی ظالم، ستمگر و بی‌صلاحیت می‌نامند. مجلسی گمراه درباره سه خلیفه راشد می‌گوید: «آنان غاصب، ستمگر و مرتد بودند، لعنت خدا بر آنان و همه پیروانشان از گذشته و آینده که در ظلم بر اهل بیت شریک بوده‌اند باد»^(۲).

این گفته یکی از امامان شیعه است که کتابش یکی از مهمترین مصادر اساسی آنان در حدیث شمرده می‌شود.

و بر اساس اعتقادی که درباره خلفای راشدین دارند، هرکسی را که با آنان همکاری نموده طاغوت و ستمگر می‌دانند، کلینی از عمر بن حنظله روایت کرده که می‌گوید: «از ابوعبدالله پرسیدم که دو نفر باهم درباره مسأله‌ای دینی و یا میراث با هم اختلاف دارند، آیا جایز است که برای حل اختلاف خود نزد حاکم و یا قاضی بروند؟ وی در جواب گفت: هرکس به حق

۱- الکافی بشرح المازندرانی ۳۷۱/۱۲ و البحار ۱۱۳/۲۵.

۲- مجلسی، بحار الأنوار ۳۸۵/۴.

و یا باطل آنان را در میان خود حکم و داور قرار بدهد، بدانند که به طاغوت پناه آورده و آنچه برایش حکم کنند، حرام است گر چه حق مسلم او باشد؛ زیرا آن را بر اساس حکم طاغوت گرفته است»^(۱).

خمینی در شرح این قول می‌گوید: «امام خود از رجوع کردن به سلاطین و قضات منع می‌کند و رجوع به آنان را، رجوع به طاغوت می‌داند»^(۲).

۱- کلینی، الکافی ۶۷/۱ و التهذیب ۳۰۱/۶ و من لایحضره الفقیه ۵/۳.

۲- خمینی، الحکومة الإسلامية ص ۷۴.

حکم تقریب بین اهل سنت و شیعه

خواننده گرامی! در این موضوع به گفتاری از دکتر ناصر قفازی حفظه الله اکتفا می‌کنم، وی می‌گوید: «چگونه تقریب ممکن است با گروهی که در قرآن شک و شبهه دارند و آن را به غلط تفسیر و تأویل می‌کنند و معتقدند که علاوه از قرآن بر امامان کتاب‌های دیگری نازل شده^(۱)، و امامت را برابر با نبوت می‌دانند و امامان را برابر با پیامبران بلکه بالاتر می‌دانند و عبادت خداوند یگانه را که رسالت تمامی پیامبران بوده، به گونه‌ای دیگر تعبیر و معنا می‌کنند و می‌گویند عبادت خداوند یعنی اطاعت از امامان و شرک به خداوند یعنی در کنار امامان از کسی دیگر اطاعت شود، و بزرگان اصحاب حضرت پیامبر ﷺ را کافر می‌دانند و می‌گویند همه اصحاب جز سه یا چهار و یا هفت نفر (حسب اختلاف روایات) از دین برگشته‌اند و به خلاف دیگر مسلمانان در مورد امامت، عصمت و تقیه اعتقادی شاذ و مخالف دارند و قایل به رجعت، غیبت و بداء هستند»^(۲).

۱- سوره ولایت یکی از سوره‌هایی است که روافض می‌گویند از قرآن حذف شده، آن را در آخر این کتاب خواهی یافت و آن را از کتاب فصل الخطاب رافضی خبیث نوری طبرسی نقل کرده‌ایم و این امر یعنی تکذیب خداوند که حفاظت قرآن را به عهده گرفته زیرا می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^(۱). پس آیا هیچ عاقلی به کفر روافض که چنین عقیده دارند، شک دارد؟

۲- دکتر ناصر قفازی، مسئله تقریب ۳۰۲/۲.

اقوال امامان سلف و خلف دربارهٔ روافض

شیخ الاسلام ابن تیمیة رحمته اللہ علیہ می‌گوید: «علمای حدیث و روایت و سند همگی اتفاق نظر دارند که روافض دروغگوترین گروه هستند، دروغگویی در آنان ریشه‌ای دیرینه دارد، از این جهت ائمهٔ مسلمانان آنان را به کثرت دروغ، از دیگران متمیز می‌دانستند».

اشهب بن عبدالعزیز می‌گوید: از امام مالک رحمته اللہ علیہ دربارهٔ روافض پرسیدند، فرمود: «با آنان سخن مگو و از آنان (حدیث) روایت مکن، زیرا دروغ می‌گویند».

و نیز می‌گوید: «کسی که اصحاب رسول صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را دشنام می‌دهد، از اسلام هیچ بهره‌ای ندارد».

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ﴾
[الفتح: ۲۹].

«محمد فرستادهٔ خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می‌بینی، آنان همواره فضل خدای را می‌جویند و رضای او را می‌طلبند نشانهٔ ایشان بر اثر سجده در پیشانی‌هایشان نمایان است، این توصیف آنان در تورات است و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که

همانند کشتزاری هستند که جوانه‌های خود را بیرون زده و آن‌ها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه‌های خویش راست ایستاده باشد به گونه‌ای که برزگران را به شگفت می‌آورد تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند».

علامه ابن کثیر رحمته در تفسیر آیه فوق می‌فرماید: «امام مالک رحمته از این آیه حکم کفر روافض را که با صحابه بغض و کینه دارند و به مقتضای این آیه، آنان که با صحابه بغض و دشمنی دارند، کافرند».

قرطبی می‌گوید: «امام مالک رحمته سخن زیبایی گفته و آیه را درست تفسیر کرده است، هرکس از یکی از اصحاب عیب‌جویی و بدگویی کند، فرموده خداوند، پروردگار جهانیان را رد کرده و شرایع مسلمانان را باطل گردانیده است»^(۱).

ابوحاتم می‌گوید: حرمله برایمان بیان نمود که امام شافعی رحمته فرمود: «کسی که بیش از روافض گواهی دروغین بدهد، سراغ ندارم».

مؤمل بن اهاب می‌گوید: از یزید بن هارون شنیدم که فرمود: از هر بدعتگذاری که بسوی بدعتش فرا نخواند، حدیث نوشته (گرفته) می‌شود، جز از روافض، زیرا آنان دروغ می‌گویند».

محمد بن سعید اصفهانی می‌گوید: شریک^(۲) فرمود: از هرکسی که یافتی علم را دریاب مگر از روافض، زیرا آنان حدیث جعل می‌کنند و آن را دین می‌پندارند».

معاویه می‌گوید: أعمش دربارهٔ یاران مغیره بن سعید رافضی دروغگو^(۱) فرمود: «مردمی که من دیدم همه آنان را فقط کذاب (دروغگو) می‌نامیدند».

۱- د/ناصر قفازی، اصول مذهب الشیعة الإمامية ۳/۱۲۵۰.

۲- شریک بن عبدالله قاضی کوفه بوده است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در توضیح گفتار سابق علمای سلف می‌فرماید: «اساس بدعت روافض از بی‌دینی و الحاد عمدی سرچشمه می‌گیرد، دروغ در میان آنان بسیار است و خود نیز به آن اقرار دارند، زیرا می‌گویند: دین ما تقیه است، و تقیه یعنی اینکه شخصی خلاف آنچه در دل دارد، اظهار کند، و این عیناً همان دروغ و نفاق (دو رنگی) است، پس آنان در این زمینه مصداق ضرب المثلی هستند که می‌گوید: «رمتني بدائها وانسلت»^(۲).

«مرا به عیبی که در خودش است، متهم نمود و جان سالم بدر برد.»
عبدالله بن احمد بن حنبل می‌گوید: از پدرم دربارهٔ روافض پرسیدم، فرمود: «آنانند که ابوبکر و عمر را بد می‌گویند». و دربارهٔ ابوبکر و عمر از ایشان پرسیده شد، فرمود: «برای آنان دعای رحمت کن و از دشمنانش بیزاری بجوی»^(۳).

خلال از ابوبکر مروزی روایت کرده که گفت: از ابوعبدالله دربارهٔ کسی که به ابوبکر و عمر و عائشه بد می‌گوید، پرسیدم، فرمود: «او را در دایرهٔ اسلام نمی‌دانم»^(۴).

خلال می‌گوید: حرب بن اسماعیل کرمانی برایم نقل کرد که موسی بن هارون بن زیاد گفت: از فریابی که مردی وی را دربارهٔ کسی که ابوبکر و عمر را دشنام داده، پرسیده بود، شنیدم که فرمود: او کافر است، پرسید: آیا بر او نماز خوانده شود؟ فرمود: خیر»^(۵).

۱- ذهبی او را اینگونه ذکر کرده است، ابن تیمیه، منهاج السنة ۵۹۱/۱-۶۰.

۲- مرجع سابق ۶۸/۱.

۳- عبدالله بن سلیمان الاحمدی، المسائل والرسائل المروية عن الإمام أحمد بن حنبل ۳۵۷/۲.

۴- خلال، السنة ۴۹۳/۳، این تصریحی از امام احمد رحمته دربارهٔ کفر روافض است.

۵- مرجع سابق ۴۹۹/۳.

علامه ابن حزم با نصاری مناظره نمود، آنان برای استدلال علیه او کتاب‌های روافض را آوردند، ایشان آنگاه فرمود: روافض مسلمان نیستند و گفتار شان در دین حجت نیست، آن‌ها فرقه‌ای هستند که برای اولین بار ۲۵ سال پس از وفات حضرت پیامبر ﷺ پدید آمدند، و پیدایش آن نتیجه این بود که افرادی بخت برگشته دعوت یکی از دشمنان اسلام (ابن سبأ یهودی) را پذیرفتند، روافض فرقه‌ای هستند که در تکذیب و کفر از یهود و نصاری دست کمی ندارند»^(۱).

ابو زرعه رازی می‌گوید: «هر گاه دیدی شخصی از یکی از اصحاب رسول الله ﷺ عیب‌جویی می‌کند، بدان که او زندیق است».

از هیأت دایمی فتوا در عربستان سعودی سؤالی مطرح شد که در آن آمده بود که: . . . با توجه به این که آنان (روافض جعفری) در هنگام شهادت از علی و حسن و حسین علیهم‌السلام و دیگران کمک می‌طلبند، آیا برای ما جایز است که از ذبایح^(۲) آنان بخوریم؟ هیأت دایمی فتوا به سرپرستی شیخ عبدالعزیز بن باز، شیخ عبدالرزاق عقیفی، شیخ عبدالله غدیان، شیخ عبدالله بن قعود اثابهم الله چنین پاسخ گفت: «با سپاس خداوند یگانه و درود و سلام بر پیامبرش و آل و اصحاب وی، و بعد: «اگر واقعیت چنان باشد که در سؤال آمده که جعفری‌ها علی و حسن و حسین و دیگران را فرا می‌خوانند، پس آنان والعیاذ بالله مشرک و مرتد هستند و خوردن ذبایح آنان جایز و حلال نیست و حکم مردار را دارد. گرچه بر آن نام خدا را گفته باشند»^(۳).

۱- ابن حزم، الفصل في الملل والنحل ۲/۷۸.

۲- حیواناتی که آنان سر بریده‌اند.

۳- فتاوی اللجنة الدائمة للإفتاء، ۲/۲۶۴.

از شیخ عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین حفظه الله چنین سؤال شد: جناب شیخ در شهر ما شخصی رافضی وجود دارد و شغلش قصابی است و اهل سنت برای ذبح گوسفندان خود به او مراجعه می‌کنند و همچنین رستورانهایی وجود دارد که با آن رافضی و یا روافض دیگری که همین شغل را دارند، قرار داد بسته‌اند، معامله با این رافضی و امثال آن چه حکمی دارد؟ و آیا حیوان ذبح شده توسط او حلال است یا حرام؟

جواب: و علیکم السلام و رحمة الله وبرکاته، وبعد: ذبح رافضی (شیعه) و خوردن آن جایز و حلال نیست، زیرا روافض غالباً مشرک هستند، چرا که آنان هنگام خوشی و یا سختی علی بن ابی طالب و اولادش و ائمه را فرا می‌خوانند، حتی در عرفات و طواف و سعی و این چیزی است که ما بارها از آنان شنیده‌ایم، و این شرک اکبر و برگشت از اسلام است و آنان به این جهت مستحق قتل هستند.

همانگونه که در وصف حضرت علی علیه السلام غلو می‌کنند و برایش اوصافی قایلند که خاص برای خداوند است و این چیز را در عرفات از آن‌ها شنیده‌ایم و به این جهت مرتد هستند زیرا که علی را رب و خالق و متصرف در امور جهان و عالم غیب و مالک نفع و ضرر می‌دانند.

همچنین در قرآن شک دارند و اعتقاد دارند که اصحاب پیامبر، قرآن را تحریف کرده‌اند و از آن مطالب زیادی که دربارهٔ اهل بیت و دشمنانشان بوده است، حذف کرده‌اند، و به این خاطر از قرآن پیروی نمی‌کنند و آن را دلیل نمی‌دانند.

و همچنین بر بزرگان صحابه مانند خلفای ثلاثه و بقیهٔ عشرهٔ مبشره و امهات مؤمنین و صحابه مشهور همچون انس، جابر، ابوهریره و غیره طعن و عیب‌جویی می‌کنند و احادیث آنان را نمی‌پذیرند، چونکه آنان را کافر می‌دانند! و به احادیث صحیحین عمل نمی‌کنند مگر آنچه که از اهل بیت

باشد، و به احادیث جعلی و یا احادیثی که بر گفته هایشان هیچ دلالت و اشاره‌ای ندارد استدلال می‌کنند، اما با وجود این به نفاق و دورنگی چیزی دیگر خلاف آنچه در دل دارند، اظهار می‌کنند و آنچه که در دل پنهان کرده‌اند برای او بازگو نمی‌کنند، می‌گویند: هرکس تقیه نکند دین ندارد، بنابراین ادعای آنان مبنی بر برادری با اهل سنت و پیروی از شرع... پذیرفته نیست و نفاق جزو عقیده آنان است، خداوند شر آنان را دور کند.

وصلی الله علی محمد وآله وصحبه وسلم^(۱).

۱- ایشان این فتوا را در سال ۱۴۱۴ هجری قمری در پی سؤالی درباره چگونگی برخورد با روافض، صادر کرده‌اند، بسیاری فکر می‌کنند که شیخ عبدالله جبرین در تکفیر روافض تنهاست، در صورتی که ائمه و علمای سلف و خلف آنان را کافر می‌دانند، زیرا حجت بر ایشان اقامه شده و عذر جهل از آنان منتفی است.

سورة دروغين ولايت

از كتاب (فصل الخطاب):

يأياها الذين آمنوا آمنوا بالنورين أنزلناهما يتلوان عليكم آياتي ويحذرانكم عذاب يوم عظيم. نوران بعضهما من بعض وأنا السميع العليم. إن الذين يوفون ورسوله في آيات لهم جنات النعيم (كذا) والذين كفروا من بعد ما آمنوا بنقضهم ميثاقهم وما عاهدهم الرسول عليه يقذفون في الجحيم. ظلموا أنفسهم وعصوا الوصي الرسول أولئك يسقون من حميم. إن الله الذي نور السموات الأرض بما شاء واصطفى من الملائكة وجعل من المؤمنين أولئك في خلقه يفعل الله ما يشاء لا إله إلا هو الرحمن الرحيم. قد مكر الذين من قبلهم برسولهم فأخذهم بمكرهم إن أخذني شديد أليم. إن الله قد أهلك عاداً وثموداً بما كسبوا وجعلهم لكم تذكرة فلا تتقون. وفرعون بما طغى على موسى وأخيه هارون أغرقته ومن تبعه أجمعين. ليكون لكم آية وإن أكثركم فاسقون. إن الله يجمعهم في يوم الحشر فلا يستطيعون الجواب حين يسألون. إن الجحيم مأواهم وأن الله عليم حكيم. يأياها الذين كانوا عن آياتي وحكمي معرضون. مثل الذين يوفون بعهدك أني جزيتهم جنات النعيم. إن الله لذو مغفرة وأجر عظيم. وإن علياً من المتقين. وإنا لنوفينه حقه يوم الدين. ما نحن عن ظلمه بغافلين. وكرمناه على أهلك أجمعين. فإنه وذريته لصابرون. وإن عدوهم إمام المجرمين قل للذين كفروا بعدما آمنوا طلبتم زينة الحياة الدنيا

واستعجلتم بها ونسيتم ما وعدكم الله ورسوله ونقضتم العهود من بعد توكيدها وقد ضربنا لكم الأمثال لعلكم تهتدون. يأياها الرسول قد أنزلنا إليك آيات بينات فيها من يتوفاه مؤمناً ومن يتولىه من بعد يظهرهون. فأعرض عنهم إنهم معرضون. إنا لهم محضرون. في يوم لا يغني عنهم شيء ولا هم يرحمون. إن لهم جهنم مقاماً عنه لا يعدلون. فسيح باسم ربك وكن من الساجدين. ولقد أرسلنا موسى وهارون بها استخلف فبغوا هارون. فصبر جميل فجعلنا منهم القردة والخنازير ولعناهم إلى يوم يبعثون. فاصبر فسوف يبصرون. ولقد آتيناك بك الحكم كالذين من قبلك من المرسلين. وجعلنا لك منهم وصياً لعلهم يرجعون. ومن يتولى عن أمري فإني مرجعه فليتمتعوا بكفرهم قليلاً فلا تسأل عن الناكثين. يأياها الرسول قد جعلنا لك في أعناق الذين آمنوا عهداً فخذه وكن من الشاكرين. إن علياً قانتاً بالليل ساجداً يحذر الآخرة ويرجوا ثواب ربه قل هل يستوي الذين ظلموا وهم بعداي يعلمون. سنجعل الأغلال في أعناقهم وهم على أعماهم يندمون. إنا بشرناك بذريته الصالحين. وإنهم لأمرنا لا يخلفون. فعليهم مني صلوات ورحمة أحياء وأمواتا يوم يبعثون على الذين ييغون عليهم من بعدك غضبي إنهم قوم سوء خاسرين. وعلى الذين سلخوا مسلكهم مني رحمة وهم في الغرفات آمنون. والحمد لله رب العالمين^(۱).

۱- این سوره دروغین ولایت است که آن را از کتاب «فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الأرباب» نقل کردیم، تا خواننده گرامی دریابد که چگونه در برابر خداوند ایستاده‌اند، خدایی که خود حفاظت کتابش را از تغییر و تحریف به عهده گرفته است.

ترجمه سوره دروغین ولایت

«ای مؤمنان به دو نوری که ما نازل کرده‌ایم تا آیات ما را بر شما بخوانند و شما را از عذاب روز بزرگ بترسانند، ایمان بیاورید، دو نور که از همدیگر هستند و من شنوا و دانا هستم، آنان که به خدا و رسول وفا کنند باغ‌های نعمت برای آنان خواهد بود، آنانکه پس از ایمان با شکستن پیمان و عهده‌ای که با پیامبر بسته بودند، کافر شدند، در دوزخ انداخته می‌شوند، همانا خدایی که آسمان‌ها و زمین به آنچه خود خواسته، منور کرده و برخی از فرشتگان برگزیده و از مؤمنان قرار داده، آن‌ها در خلق اویند، خداوند هرچه بخواهد می‌کند، خدایی جز او نیست و او بخشنده و مهربان است، کسانی که پیش از شما بودند با پیامبرانشان مکر کردند پس آن‌ها را به مکرشان گرفت، همانا گرفتن من سخت و دردناک است. همانا خداوند عاد و ثمود را به سبب کردارشان نابود ساخت و آنان را برای شما عبرتی قرار داد، پس نمی‌ترسید. فرعون و پیروانش بخاطر طغیان بر موسی و برادرش هارون، همگی غرق کردیم تا برای شما نشانه‌ای باشد و همانا اکثر شما فاسق هستید، همانا خدا آنان را در روز حشر جمع می‌کند، و هنگامی که سؤال می‌شوند نمی‌توانند جواب دهند، همانا دوزخ جایگاه آنان است و خدا دانا و با حکمت است، ای پیامبر اخطار مرا به آنان ابلاغ کن بزودی خواهند دانست، آنانکه از آیات و حکم من روی گردانیدند، زیان کرده‌اند، مثال آنان که به عهد تو وفا کرده‌اند این است که من به آنان باغ‌های نعمت پاداش داده‌ام همانا خدا صاحب گذشت و پاداش بزرگ است، و همانا علی از پرهیزگاران است و ما حقش در قیامت کامل خواهیم داد و ما از ظلمش غافل نیستیم، و ما او را بر اهل تو همگی برتری داده‌ایم، همانا او و ذریه‌اش صابرند و دشمنانشان پیشوای مجرمان است، به آنان که پس از ایمان کافر شدند، بگو زرق و برق دنیا را طلب کردید و به آن شتاب کردید و آنچه خدا و

رسولش به شما وعده دادند، فراموش کردید و پیمان‌ها را پس از تثبیت شکستید و برای شما مثل‌ها زدیم تا هدایت یابید، ای پیامبر ما بر تو آیات بیناتی نازل کردیم، در آن آمده آنکه خدا او را با ایمان می‌میراند و پیروانش پس از تو ظهور خواهند کرد پس از آنان روی بگردان همانا آنان روی گردانند، ما آن‌ها را حاضر خواهیم کرد، در روزی که برایشان هیچ سودی ندارد و بر آنان رحم نمی‌شود، جهنم جایگاهشان است و جایی غیر آن نخواهند یافت پس تسبیح پروردگارت را بخوان و از سجده کنندگان باش، ما موسی و (بعد از او) هارون را به جانشینی‌اش فرستادیم، اما بر هارون سرکشی کردند، پس صبری زیبا و نیکو باید، پس ما برخی از آنان را خوک و میمون گردانیدیم و تا روز قیامت آن‌ها را نفرین کردیم، پس صبر کن، آن‌ها بزودی خواهند دید، ما به تو حکم دادیم مانند پیامبران قبل از تو و از میان آنان برای تو یک وصی برگزیدیم تا شاید برگردند، هرکس از امر من روی گرداند، نزد من باز می‌گردد، اندکی با کفرشان بآسایند تو از پیمان شکنان سؤال نخواهی شد، ای پیامبر ما، برای تو در گردن کسانی که ایمان آورده‌اند، عهده‌ی قرار داده‌ایم آن را بگیر و شکر گذار باش، علی در شب عبادتگذار و ساجد است از آخرت بیم دارد و امیدوار پاداش پروردگارش است، آیا کسانی که ستم کردند با اینکه از عذاب من آگاه بودند، با هم برابرند؟ ما در گردن‌هایشان زنجیر می‌اندازیم و آنان بر کردارشان پشیمان خواهند شد، ما تو را به ذریه‌ی صالحش مژده دادیم آنان از امر ما دیگر تخلف نمی‌کنند، پس درود و رحمت من بر آنان باد زنده و مرده روزی که برانگیخته می‌شوند، خشم من بر کسانی باد که پس از تو بر آنان ستم کردند، آن‌ها ملتی بد و زیانبار هستند، و رحمت من بر کسانی باد که بر مسلک آنان گام برداشتند آن‌ها در اتاق‌ها در امان خواهند بود و سپاس ویژه‌ی خدا، پروردگار جهانیان است».

لوح فاطمة المزعوم

هذا كتاب من الله العزيز الحكيم لمحمد نبيه ونوره وسفيره وحجابه ودليله نزل به الروح الأمين من عند رب العالمين، عظم يا محمد أسمائي واشكر نعمائي ولا تجحد آلائي، إني أنا الله لا إله الا أنا قاصم الجبارين ومديل المظلومين، وديان الدين، إني أنا الله لا إله إلا أنا، فمن رجا غير فضلي أو خاف غير عدلي عذبه عذاباً لا أعذبه أحد من العالمين، فيايي فاعبد وعلي فتوكل، إني لم ابعث نبياً فأكملت أيامه وانقضت مدته إلا جعلت له وصياً، وأني فضلتك على الانبياء وفضلت وصيك على الأوصياء، واکرمت بشبليك وسبطيك حسن وحسين، فجعلت حسنا معدن علمي بعد انقضاء مدة ابيه، وجعلت حسينا خازن وحي واکرمته بالشهادة وختمت له بالسعادة، فهو أفضل من استشهد وأرفع الشهداء درجة، جعلت كلمتي التامة معه وحجتي البالغة عنده، بعترته ائيب واعاقب، اولهم علي سيد العابدين وزين اوليائي الماضيين وابنه شب جده المحمود محمد الباقر علمي والمعدن لحكمتي، سيهلك المرتابون في جعفر، الراد عليه كالراد علي، حق القول مني لأكرمن مثوى جعفر ولأسرنه في أشياعه وأنصاره وأوليائه، اتحت بعده موسى فتنة عمياء حندس لأن خيط فرضي لا ينقطع وحجتي لا تخفى وأن اوليائي يسقون بالكأس الأوفى، من جحد واحدا منهم فقد جحد نعمتي ومن غير آية من كتابي فقد افترى علي، ويل للمفترين الجاحدين عند انقضاء مدة موسى عبدي

وحییبی وخیرتی فی علی ولی وناصری ومن (...) ^(١) النبوة وامتحنه بالاضطلاع بها یقتله عفريت مستكبر یدفن بالمدينة التي بناها العبد الصالح إلیجنب شر خلقي، حق القول منی لأمرنه بمحمد ابنه وخليفته من بعده ووارث علمه، فهو معدن علمي وموضع سري وحجتي علی خلقي لا يؤمن عبد به إلا جعلت الجنة مثواه وشفعته فی سبعین من أهل بيته كلهم قد استوجبوا النار واختم بالسعادة لابنه علی وليي وناصری، والشاهد فی خلقي وأميني علی وحيي، أخرج منه الداعي إلى سبيلي والخازن لعلمي الحسن وأكلم ذلك بأبنه (...) ^(٢) رحمة للعالمين عليه كمال موسى وبهاء عيسى وصبر أيوب، فيذل أوليائي في زمانه وتتهادى رؤوسهم كما تتهادى رؤوس الترك والديلم فيقتلون ويحرقون ويكونون خائفين مرعوبين، وجلين تصبغ الأرض بدمائهم ويفشوا الويل والرنة في نساءهم أولئك أوليائي حقاً، بهم أذفع فتنة عمياء حنّس وبهم أكشف الزلازل وأدفع الآصار والأغلال أولئك عليهم لوات من ربهم ورحمة وأولئك هم المهتدون. قال عبدالرحمن بن سالم: قال أبو بصير: لو لم تسمع في دهرك إلا هذا الحديث لكفاك، فصنه إلا عن أهله ^(٣) (٤).

١- كلمة غير واضحة لذا لم نستطع إثباتها.

٢- كلمة غير واضحة لذا لم نستطع إثباتها.

٣- الكافي للكليني (٥٢٧/١)، والوافي للفيض الكاشاني المجلد الأول جلد ٧٢/٢، وإكمال الدين لابن بابويه القمي ص ٣٠١-٣٠٤، وإعلام الوری لأبوعلي الطبرسي ص ١٥٢.

٤- يدعي الرافضة أن لوح فاطمة هذا نزل به جبريل عليه السلام علی فاطمة - عليها السلام -، بعد وفاة النبي صلى الله عليه وآله وسلم، وأن علی بن أبي طالب عليه السلام كان مختبئاً خلف الستار، عند نزول جبريل علی فاطمة، وكان علی يدون

لوح دروغین فاطمه

«این نامه ایست از خدای عزیز و حکیم برای محمد، پیامبر، نور، سفیر و حجاب و دلیلش فرود آورده آن را روح الامین (جبرئیل) از نزد پروردگار جهانیان، ای محمد اسم‌های مرا تعظیم کن و نعمت‌هایم را شکرگذار باش و آن را انکار مکن، همانا من خدایم، خدایی جز من نیست مقهور کننده جباران و یاور مظلومان و حاکم روز قیامت هستیم، همانا من خدایم، خدایی جز من نیست، هرکس امیدی غیر فضل من و یا بیمی غیر عدل من داشته باشد او را عذابی می‌دهم که به کسی دیگر از جهانیان نخواهم داد، پس تنها مرا عبادت کن و بر من توکل کن، من هیچ پیامبری نفرستادم که روزهایش را کامل و مدتش را تمام کرده باشم مگر اینکه برای او یک وصی قرار داده‌ام، و من تو را بر پیامبران برتری دادم و وصی تو را نیز بر دیگر وصیان برتری دادم، و تو را به دو فرزندت حسن و حسین نوازیدم، حسن را پس از پدرش معدن علم خود و حسین را مخزن وحی خویش قرار دادم و او را به شهادت افتخار دادم و عاقبتش را به سعادت گردانیدم، او برترین کسی است که شهید شده و از همه شهیدان درجه‌اش بالاتر است، کلمه تامه (دین کامل) با او حجت بالغام نزد اوست، به وسیله اهل بیتش پاداش و یا عذاب می‌دهم، اولین آنان علی سید عابدان و زینت اولیای گذشته من است، و فرزندش، شبیه جد ستوده شده‌اش، محمد (باقر) شکافنده علم من و معدن حکمتم است، و آنان که در جعفر شک دارند تباه می‌شوند، هرکس او را رد کند گویا مرا رد کرده، حتماً جعفر را عزت و احترام می‌دهم و او را درباره

ما قاله جبریل الطیلسی لفاطمة علیها السلام. (کما ذکر کلینی فی کتابه الکافی (1/185، 186). هذا کذب وافتراء عظیم حیث إن الوحي قد انقطع بعد وفاة النبي صلی الله علیه و آله، و مع ذلك فإن اللوح المكذوب هو عندهم بمثابة القرآن العظيم عند أهل السنة.

پیروان و یاوران و اولیایش راضی می‌گردانم، پس از او موسی فتنه‌ای کور و تاریک داده شد، زیرا ریسمان فرض من پاره و حجت من ناپدید نمی‌شود و اولیای من جامی پر خواهند نوشید، هرکس یکی از آنان را انکار کند، نعمت مرا انکار کرده و هرکس آیه‌ای از کتاب مرا تغییر دهد بر من افترا بسته، وای بر مفتریان منکر هنگام به پایان رسیدن مدت موسی بنده و حبیب و برگزیده‌ام درباره‌ی علی، ولی و ناصر من (.....) او را می‌آزمایم به حمل آن، مردی خبیث متکبر او را می‌کشد، در شهری که بنده‌ی صالح آن را ساخت در کنار بدترین مخلوقم دفن می‌شود، حتماً دستورش می‌دهم به محمد فرزند و خلیفه‌اش و وارث علمش، او معدن علم من و محل راز و حجت من بر بندگانم است، هرکس به او ایمان آورد، بهشت را جایگاهش می‌گردانم و سفارش او را برای هفتاد نفر از اهل بیتش که همه جهنمی باشند، می‌پذیرم و فرزندش علی را خاتمه به سعادت می‌کنم، او ولی و ناصر من و شاهد بر خلق و امین وحی من است، از او دعوتگر به راهم و مخزن علمم حسن را بیرون می‌آورم و این امر را با فرزندش کامل می‌کنم (.....) رحمتی است برای جهانیان، کمال موسی و شادابی عیسی و صبر ایوب دارد، در زمان او اولیای من ذلیل می‌گردند، سرهایشان مانند سرهای ترک و دیلم هدیه برده می‌شود، کشته و سوخته می‌شوند، بیمناک و مرعوب می‌گردند، زمین از خونشان رنگین می‌شود، آه و ناله میان زنانشان زیاد می‌گردد، آنان بدرستی اولیای من هستند با آنان هر فتنه‌ی کور و سیاه را دفع می‌کنم و با آنان زلزله‌ها و طوق و زنجیرها را دور می‌کنم، درود و رحمت پروردگار بر آنان باد، آن‌ها هدایت یافتگانند، عبدالرحمن بن سالم می‌گوید: ابوبصیر گفت: اگر

در عمر خود هیچ حدیثی جز این نشنوی، برایت کافیست و این حدیث پنهان بدار مگر از اهل آن^(۱).

۱- کلینی، الکافی ۵۲۷/۱، فیض کاشانی، الوافی ۷۲/۲، ابن بابویه قمی، اکمال الدین ص ۳۰۱-۳۰۴.

روافض ادعا می‌کنند که جبرئیل این لوح را پس از وفات پیامبر ﷺ بر فاطمه رضی الله عنها نازل کرد و حضرت علی رضی الله عنه که آن هنگام پشت پرده مخفی بود، همه جبرئیل گفت، همه را نوشت (کلینی، کافی ۱۸۵، ۱۸۶/۱) این دروغ و افترای بزرگی است زیرا پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وحی قطع شد، با وجود این نزد شیعه این لوح دروغین چنان ارزشی دارد که قرآن نزد اهل سنت.

دعاء صنمي قريش^(١)

ويريدون به الدعاء على أبي بكر وعمر رضي الله عنهما بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وعلى آل محمد، اللهم العن صنمي قريش وجبتيها وطاغوتيها وإفكيها وابنتيها اللذين خالفا أمرك، وأنكرا وحيك، وجحدا نعامك وعصيا رسولك، وقلبا دينك، وحرفا كتابك وأحبا أعدائك وجحدا آلاءك وعطلا أحكامك، وأبطلا فرائضك وألحدا في آياتك، وعاديا أوليائك وواليا أعدائك وحربا بلادك، وأفسد عبادك.

اللهم العنهما وأتباعهما وأولياءهم وأشياعهم وحمبيها فقد أخربا بيت النبوة، وردما بابه ونقضا سقفه، وألحقا سماءه بأرضه وعاليه بسافله، وظاهره بباطنه، واستأصلا أهله، وأباد أنصاره، وقتلا أطفاله، وأخليا منبره من وصيته ووارث علمه وجحدا إمامته، وأشركا برهبها، فعظم ذنبها وخلدهما في سقر، وما أدراك ما سقر، لا تبقي ولا تذر.

اللهم العنهم بعدد كل منكر أتوه، وحق أخفوه، ومنبر علوه، ومؤمن أرجوه، ومنافق ولوه، وولي آذوه، وطريد أووه، وصادق طرده، وكافر نصوه، وإمام قهره، وفرض غيرهه، وكفر نصبوه، وكذب دلسوه، وإرث نصبوه، وفيء

١ - تم إعادة طباعة دعاء صنمي قريش حتى يتمكن القارئ من قراءته الذي يعنون به أبو بكر وعمر

وعائشة وحفصة رضي الله عنهم أجمعين.

اقتطعوه، وسحت أكلوه، وخمس استحلوه، وباطل أسسوه، وجور بسطوه، ونفاق أسروه، وغدر أضمره، وظلم نشره، ووعد أخلفوه، وأمانة خانوه، وعهد نقضوه، وحلال حرموه، وحرام أحلوه، وبطن فتقوه، وجنين أسقطوه، وضلع دقوه، وصك مزقوه، وشمل بددوه، وعزیز أذلوه، وذلیل أعزوه، وحق منعه، وكذب دلسوه، وحكم قسبوه، وأمام خالفوه.

اللهم العنهم بعدد كل آية حرفوها، وفريضة تركوها، وسنة غيروهان وأحكام عطلوها، ورسوم قطعوها، ووصية بدلوها، وأمور ضيعوها، وبيعة نكثوها، وشهادات كتموها، ودعواء أبطلوها، وبينة أنكروها، وحيلة أحدثوها، وخيانة أوردوها، وعقبة أرتقوها، ودباب دحرجوها، وأزيان لزموها.

اللهم العنهم في مكنون السر، وظاهر العلانية لعناً كثيراً أبداً دائماً سرمداً لا انقطاع لعدده، ولا نفاذ لأمده لعناً قيود أوله ولا ينقطع آخره، لهم ولأعوانهم وأنصارهم، ومحبيهم ومواليهم، والمسلمين لهم والسائلين إليهم، والناهقين باحتجاجهم والناهضين بأجنتهم والمقتدين بكلامهم والمصدقين بأحكامهم.

(قل أربع مرات): اللهم عذبهم عذاباً يستغيث منه أهل النار، آمين رب العالمين.

(ثم تقول أربع مرات): اللهم العنهم جميعاً، اللهم صل على محمد وآل محمد فأغثني بحلالك عن حرامك وأعذني من الفقر، رب أي أسأت وظلمت نفسي واعترفت بذنوبي وها أنا بين يديك فخذ لنفسك رضاها، لك العتبي لا أعود فإن عدت فعد علي بالمغفرة والعفو لك بفضلك وجودك ومغفرتك وكرمك يا ارحم

الراحمین. وصلى الله على سيد المرسلين وخاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين
برحمتك يا أرحم الراحمين^(۱).

دعای دو بت قریش^(۲)

پروردگارا بر محمد و آل محمد درود بفرست، خدایا بر دو بت و طاغوت
قریش و دو دخترشان لعنت فرست، آنان که با امر تو مخالفت و وحی و
نعمت‌هایت را انکار کردند و رسول تو را نافرمانی کردند، دین تو را تبدیل و
کتابت را تحریف کردند، دشمنانت را به دوستی گرفتند و نعمت‌هایت را
ناسپاسی کردند، احکام تو را تعطیل و فرایض تو را تباه کردند، و در آیات تو
الحد و ورزیدند، با دوستان دشمنی و با دشمنانت دوستی کردند با
شهرهایت جنگیدند و بندگان را تباه کردند.

خدایا! آنان و پیروان و دوستان و یاورانشان را لعنت کن، همانا خانه
نبوت را ویران کردند و دروازه‌اش را شکستند و سقش را فرو ریختند، بالا و
پایین و ظاهر و باطنش را درهم کوبیدند، و اهلش را ریشه کن و یاورانش را
نابود کردند و اطفالش را کشتند، و منبرش را از وصی (جانشین) و وارث
علمش خالی گذاشتند و امامتش را منکر شدند و به پروردگارش شرک
نمودند، پس گناهانشان را بزرگ کن و برای همیشه آنان را در (سقر) آتش
بیانداز، آتشی که امان نمی‌دهد.

خدایا! آنان را لعنت کن به تعداد هر منکری که انجامش دادند و حقی که
پنهانش کردند و منبری که بر آن بالا رفتند و به تعداد هر مؤمنی که دورش
کردند و منافقی که با او دوستی کردند و دوستی که آزارش دادند و رانده‌ای

۱- مفاتیح الجنان لعباس القمی ص ۱۱۴.

۲- مرادشان ابو بکر، عمر، عائشه و حفصه -رضی الله عنهم أجمعین- است.

که پناهش دادند و صادقی که طردش کردند و کافری که یاریش کردند و امامی که مقهورش کردند و فردی که تغییرش دادند و حدیثی که نپذیرفتند و شری که ترجیحش دادند و خونی که ریختند و خیری که عوضش کردند و کفری که بر افراشتند و دروغی که سر هم کردند و ارثی که پنهانش کردند و غنیمتی که قطع کردند و حرامی که خوردند و خمسی که حلالش پنداشتند و باطلی که بنیاد گذاشتند و ستمی که رواج دادند و نفاقی که پنهان کردند و خیانتی که در دل داشتند و ظلمی که گسترانیدند و وعده‌ای که خلافتش کردند و امانتی که خیانت کردند و پیمانی که شکستند و حلالی که حرامش کردند و حرامی که حلالش کردند و شکمی که پاره‌اش کردند و جنینی که سقطش کردند و پهلویی که شکستند و سندی که پاره‌اش کردند و جمعی که متفرقش کردند و عزیزی که ذلیلش کردند و حقی که ندادند و دروغی که تزویر کردند و حکمی که بر باد دادند و امامی که مخالفتش کردند.

خدایا! آنان را نفرین کن به تعداد آیاتی که تحریف و فریضی که ترک کردند و سنت‌هایی که تغییر دادند و احکامی که تعطیل کردند و عوارضی که قطع کردند و وصیتی که تبدیل کردند و اموری که پایمال کردند و بیعتی که شکستند و شهاداتی که کتمان کردند و دعوایی که باطل کردند و گواهی که نپذیرفتند و حیل‌های که ایجاد کردند و خیانتی که مرتکب شدند و تپه‌ای که بالا رفتند و سنگ‌هایی که (علیه دیگران) غلطانیدند و خوبی‌هایی که داشته‌اند.

خدایا! آنان را لعنت کن در پنهان و آشکار، لعنتی بسیار و ابدی و دائمی و پیوسته و همیشگی که تعدادش انقطاع و مدتش انتهایی نداشته باشد لعنتی که ابتدایش زنجیر و آخرش قطع نشدنی باشد، لعنتی برای خودشان و یاوران، دوستان و ارادتمندان‌شان و هرکس که آنان را پذیرفته و به آنان

رجوع کند و آنان که حجتشان را بازگو کنند و آنان که با پشتیبانی آنان قیام کردند و آنان که به سخنانشان اقتدا می کنند و احکامشان را می پذیرند.

(چهار بار بگو) خدایا! به آنان چنان عذابی بده که اهل دوزخ از آن پناه بخواهند، (چهار بار بگو) خدایا! همه آنان را لعنت کن. خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا با حلال خود از حرام خود مستغنی کن و از فقر نجاتم ده، الهی! بد کردم و بر خویش ستم نمودم و به گناهانم اعتراف کردم، اکنون در حضور تو هستم پس خودت را از من راضی کن، عاقبت از توست، دیگر (به گناه) باز نمی گردم و اگر بازگشتم تو نیز با مغفرت و عفو خویش بر من بازگرد، خدایا! به فضل وجود و مغفرت و کرم خود از من بپذیر، ای رحم کننده ترین رحم کنندگان!

وصلی الله علی سیدنا وخاتم النبیین وآله الطیبین الطاهرین برحمتک یا أرحم الراحمین^(۱).

خاتمه

برادر مسلمان! شاید اکنون با من موافقی که هرکس به این مذهب باطل ایمان دارد، مسلمان نیست گرچه خود را مسلمان بنامد، بنابراین ای برادر مسلمان وظیفه تو در برابر روافض چیست، خصوصاً که میان مسلمانان زندگی می‌کنند و خود را به آنان نسبت می‌دهند؟

بر تو لازم است که از آنان پرهیزی و با آنان ارتباط برقرار نکنی و از عقاید خبیث آنان بر حذر باشی، عقایدی که اساس آن دشمنی با هر موحدی است که خداوند را پروردگار و اسلام را دین و محمد صلی الله علیه و آله را پیامبر خود می‌داند.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله می‌گوید: «شیعه با هرکسی که ارتباط برقرار کند، از در نفاق وارد می‌شود، زیرا دینی که در سینه دارد دینی باطل است که او را به دروغ و خیانت و فریب مردم و بدخواهی وا می‌دارد، از هیچ شر و فسادى که توانش را داشته باشند کوتاهی نمی‌کنند، رافضی حتی نزد کسی که او را شناسد منفور است، حتی اگر نداند که او رافضی است نفاق در سیما و گفتارش نمایان می‌گردد»^(۱).

آنان در دل بر ما دشمنی و کینه دارند، خداوند هلاکشان کند، اما با این حال می‌بینیم که فریب خوردگانی از عامه اهل سنت در امور زندگی با آنان داد و ستد دارند و به آنان اعتماد می‌کنند، این همه به سبب اعراض از دین خدا و احکامی است که به مسلمان دستور می‌دهد تا بر مقتضای عقیده با هر مسلمان موحدی دوستی و با هر کافر مشرکی دشمنی داشته باشد.

بنابراین، به عنوان یک مسلمان وظیفه خود را دانستیم، پس آیا کسی هست که به آن لبیک گوید؟

نسأل الله أن ينصر دينه و أن يعلي كلمته و أن يخذل الرافضة و من شايعهم و أن يجعلهم غنيمه للمسلمين و صلى الله على نبينا محمد و على آله و صحبه و سلم.
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

گردآوری:

عبدالله بن محمد

غفر الله له ولوالديه وللمسلمين

برای رد روافض به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

- ۱- فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه.
- ۲- منهاج السنة شیخ الاسلام ابن تیمیه.
- ۳- الملل والفرق، شهرستانی.
- ۴- مقالات الإسلامیین، اشعری.

کتاب‌های معاصرین:

- ۱- تألیفات شیخ احسان الهی ظهیر رحمته.
- ۲- مسألة التقرب شیخ د/ ناصر قفازی.
- ۳- أصول مذهب الشيعة الاثنا عشرية، د/ ناصر قفازی.
- ۴- تألیفات شیخ محمد مال الله.
- ۵- تبديد الظلام وتنبيه النيام على خطر التشيع على المسلمين والإسلام.
تألیف: شیخ سلیمان الجبهان.